

صبح

روزنامه صبح ایران

رزمایش کمک مؤمنانه با آماده‌سازی بیش از ۲۵هزار بسته معیشتی برای توزیع بین نیازمندان در مصلاي قم، عکس: مهدی بخشی، مهر



تلنگر

زخم فقر و زخم چاه‌خوابی

هریک از ما در طول روز اخبار زیادی می‌شنویم یا می‌خوانیم. به برخی از اخبار به‌نوعی عادت کرده‌ایم و برایمان خیلی تازه‌گی ندارد، ولی شنیدن برخی دیگر تعجب ما را برمی‌انگیزد؛ ازجمله این اخبار می‌توان به گزارش‌ی اشاره کرد که چند روز قبل ازسوی خبرنگار روزنامه همشهری منتشر شد و آن هم خبر مربوط به چاه‌خواب‌ها در اطراف میدان شوش تهران بود که عده‌ای از مردم زیرزمین داخل چاه و قنات‌مانند، خانه داشتند و زندگی می‌کردند. به‌عنوان یک مددکار اجتماعی شنیدن اخباری از فقر و تنگدستی دربرنامه‌ریزی کشور و به‌دلیل شغل هم‌سال‌های سال در این منطقه رفت‌وآمد دارم و با موضوعات متعدد و پیچیده مردم این منطقه آشنا هستم.
خاطرم هست سال ۱۳۷۸ یک‌پایه (موقت) خدمات اجتماعی در کتابخانه جواجوی‌کرمانی فعال شد و بعدها در سال ۱۳۸۱ با حضور رئیس وقت و معاون امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نمایندگان دستگاه‌های مختلف مجدد این‌کار (بعد از حدود یک سال تعطیلی) منسجم‌تر فعالیت خود را آغاز کرد. با تاملی بر آنچه بارها مشاهده کرده و گزارش داده‌ام و یافته‌های دیگر کارشناسان و گزارش‌های خبرنگاران و… آنچه مشخص است اینکه مردم به انتخاب خود به زندگی این چنینی از قبیل «چاه‌خوابی» روی نیاورند،



سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

بلکه مهم‌ترین عامل اساسی «فقر» است. اینجا این سؤال مطرح می‌شود که کشوری با این همه سرمایه غنی چرا باید شاهد زندگی این‌چنینی مردمش باشد؟
گرچه معتقدم فقر زندگی خیلی از مردم را تحت تأثیر شدید قرار داده است و نمی‌توان تأثیرات منفی فقر را در خانواده و جامعه منکر شد. وقتی کتاب «علی‌(ع) صدای عدالت انسانیت» از نویسنده مسیحی بنام، جرج سجعان جرداق را مطالعه می‌کردم، درباره فقر نکات جالبی از فرمایش‌های امام علی(ع) نوشته بود. حال که این شرایط را می‌بینم می‌خواهم به بهانه این خبر به برخی از آن نکات اشاره داشته باشم. در کتاب علوم و حقوق بشر چنین نوشته است: «وجه همت او رسیدگی به درماندگان و ستمدیدگان و فقر بود تا داد آنان را از استعمارکنندگان بستاند و زندگی آرام و راحت به آنان ببخشد. او در سر آن نبود تا سوری بخورد و خوش بپوشد و راحت بخوابد، درحالی‌که روی زمین فقرا و یتیم‌بانی باشند که حتی امید به قرص نانی نداشته باشند و بیان او چه بزرگ است: «ایا من خود را قانع کنم که به من امیرالمؤمنین بگویند، آشنا هستم. خاطرم هست سال ۱۳۷۸ یک‌پایه (موقت) خدمات اجتماعی در کتابخانه جواجوی‌کرمانی فعال شد و بعدها در سال ۱۳۸۱ با حضور رئیس وقت و معاون امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نمایندگان دستگاه‌های مختلف مجدد این‌کار (بعد از حدود یک سال تعطیلی) منسجم‌تر فعالیت خود را آغاز کرد. با تاملی بر آنچه بارها مشاهده کرده و گزارش داده‌ام و یافته‌های دیگر کارشناسان و گزارش‌های خبرنگاران و… آنچه مشخص است اینکه مردم به انتخاب خود به زندگی این چنینی از قبیل «چاه‌خوابی» روی نیاورند،

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۲ رمضان ۱۴۴۱ • ۲۶ آوریل ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۰۴ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۶

اذان صبح فردا ۴:۴۵ • طلوع آفتاب ۶:۱۷

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت 

این روزها، حکومت‌های سرمایه‌داری از ریز و درشت، برای فروش ایدئولوژی حاکم با رنگ و لعاب علمی، به مردم گیج‌مانده در میان بمباران اطلاعات متناقض، فرمان جنگ با دشمنی نامبری به نام ویروس کرونا (کووید ۱۹) صادر می‌کنند. به نظر ریچارد لوبتین، دانشمند زیست‌شناس آمریکایی، این قانون نانوشته علم تقلیل‌گرای ساخته و پرداخته حاکمیت سرمایه است که همیشه «علت» را از «معلول»، مستقل و یگانه نگه می‌دارد، تا علتی خطی و یک‌طرفه و قابل پذیرش تحمیلی از جانب طبیعت با اجتماع، بر سرنوشت انسان را طبیعی جلوه دهد و در این رابطه البته همیشه سوزه (عامل شناسا) و ایزه (مورد شناسا) جدا و از پیش معلوم باقی می‌مانند و در این میان انسان اسیر جبری تحمیلی است. شاید به همین علت است که ویروسی جاشده از دامن طبیعت، مانند کووید ۱۹ می‌تواند عامل شروع جنگی تمام‌عیار علیه انسان تلقی شود و در فرمولی ساده و قابل فهم، اجتناب‌ناپذیری آن بر همگان قبولانده شود.

آیا این همه استفاده از استعاره جنگ علیه دشمن نامرئی برخاسته از طبیعت، گشایشی در مشکلات پیش‌روی ایجاد می‌کند؟ اگر این استعاره را قبول کنیم، بدیهی است که جبهه جنگ یعنی مؤسسات بهداشتی-درمانی به علت نداشتن خاصیت سوددهی کالایی و به غایت فروتن‌شدن عطف انتفاع حریصانه بازار، مجهز با امکانات لازم برای این رویارویی غافلگیرکننده دشمن نباشند. در این شرایط بعید نیست که در جبهه‌ها، یعنی مؤسسات خدمات بهداشتی و درمانی، نیروی انسانی کافی، وسایل ساده تا پیچیده مانند ماسک، دستکش، ویزه برای آسیب‌دیدگان زشمار، پیش‌بینی نشده باشد. اگر در این جنگ، سلاح مناسب برای مقابله با دشمن وجود نداشته باشد، یعنی امکانات ایمن‌سازی شناخته‌شده‌ای پیش‌بینی نشده باشد، دارویی با اثربخشی مطمئن وجود نداشته باشد و رفتار دشمن و درجه درگیری دشمن با دستگاه ایمنی انسان‌های مبتلا قابل پیش‌بینی نباشد و

مغز اجتماعی - ۱۱۱

کاربرد استعاره جنگ در رویارویی با بحرانی همه‌گیر

حتی ندانیم که چرا دشمن در حمله خود با بعضی‌ها مهربانانه‌تر رفتار می‌کند و گاه آزاری مختصر هم نمی‌رساند، اما در عوض، برای عده‌ای زهردار و کشنده می‌شود؛ اگر ابتدا فکر می‌کردیم که افراد سالمند و با زمینه‌های بیماری خاص قربانیان اصلی این جنگ هستند، اما بعدها فهمیدیم که باید عوامل ناشناخته دیگری نیز در کار باشند. اگر ابتدا فکر می‌کردیم دشمن فقیر و غنی، فرودست و فرادست نمی‌شناسد، بعدها دیدیم که بیشترین قربانی‌های این بحران جهانی، افرادی با شرایط سخت زندگی هستند که اغلب در مناطق پرجمعیت، اقلیت‌نشین، فقیر و با سوءتغذیه، آموزش‌ندیده، گرفتار تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های طبقاتی قومی، نژادی، جنسیتی یا در خانه‌های سالمندان با امکانات نازل هستند. در این بحیوحه بیچارگی و انتقال احساس جنگزدگی به افراد جامعه، گویا قرنطینه، حبس خانگی، فاصله‌گذاری اجتماعی، رواج ماسک‌زنی اجباری به بهانه خیرخواهی جمعی، تعطیل‌کردن مکان‌های عمومی از جمله مدارس، مؤسسات تولیدی ریز و درشت و هر نوع اجتماعات در بیرون از خانه، همراه با خیل افزایش لشکر بی‌کاران، ورشکستگی کاسبان خرد، موجب اختلال در چرخ تولید می‌شود. به این ترتیب موضوعی ظاهرا بهداشتی منفک از مسائل دیگر اجتماعی، به معضل بزرگ امنیتی، سیاسی، اقتصادی همه‌جانبه تبدیل می‌شود. البته، در این میان بی‌عدالتی اجتماعی همراه با فساد گسترده، چهره کریه خود را بیشتر می‌نمایاند. همه اینها نشان می‌دهد ما انسان‌ها علم کافی برای پیش‌بینی و رویارویی با بحران سلامتی عمومی را نداریم و به‌همین‌للیل اسمش را جنگ با دشمنی نامرئی گذاشته‌ایم. علم تقلیل‌گرای موجود که علوم طبیعی را از علوم اجتماعی جدا و دو شقه می‌کند و علوم طبیعی را بی‌ارتباط با علوم اجتماعی، در چنبر علت و معلولی خطی یکسویه و خنثی نگه می‌دارد، هیچ‌وقت نخواهد توانست ما را به حقیقت علمی نزدیک کند و گستره پیش‌بینی ما را افزایش دهد. بدیهی است که ما هنوز رابطه دوجانبه، اثرگذاری دوسویه و جابه‌جایی علت و معلولی در نظام پویای زیست‌شناختی بدن خود در پیوند با محیط اجتماعی و فرهنگی را نمی‌توانیم ببینیم و به همین علت است که هنوز بهداشت جسمانی را از بهداشت روانی، جدا و مستقل بررسی می‌کنیم. هنوز در عمل و تجربه زندگی، با وجود شواهد علمی کافی، قبول

زمین سبز

روی دیگر سکه سیلاب

علی حاجی‌مراذی . کارشناس منابع آب

قرار است به دوش بکشد؛ باید اذعان کرد که تغییر اقلیم به‌واقع می‌تواند عامل اصلی هر دو پدیده با تضاد کامل ویژگی‌های آنها باشد؛ اتفاقا از همان سال ۱۸۹۶ که توسط یک دانشمند سوئدی اولین‌بار فرضیه تغییر اقلیم مطرح شد تا سال ۱۹۸۸ که اولین پل تخصصی (IPCC) این نظریه توسط دفتر محیط‌زیست سازمان ملل متحد برای آن ترتیب داده شد، تعریف واحدی که از آن درحال‌حاضر شکل گرفته، همان تغییر مشخص در الگوهای موردانتظار برای وضعیت میانگین آب‌وهوایی مناطق مختلف کره زمین است.

تغییرات اقلیمی باعث تغییر مکانی و زمانی در الگوی بارندگی، بالاآمدن سطح دریاها و نقاط اکستریم (حدی) دمایی مناطق مختلف کره زمین است؛ به عبارتی تغییر اقلیم ماهیتا قرار نیست منتج به افزایش یا کاهش خارق‌العاده در کمی بارش یک منطقه شود. شاید تصور بعضا اشتباهی که در شرایط سال‌های خشک‌سالی کشور با استفاده شاید بی‌رویه از این عبارت در کشور در بین جامعه ایجاد شده این بوده که نهایت قدرت تغییر اقلیم در کاهش چنددرصدی بارش سالانه کشور یا یک حوضه آبریز محدود می‌شود و اتفاقا مزیت تجربه سیل این‌دروس آموخته را داشت که به طیف وسیع‌تری از این پدیده پی برده شود.
بارش متوسط ساله ۵۱۰میلیمتر کشور ایران ۲۴۴۷ میلی‌متر بوده و هست و این تغییر اقلیم ناشی از گرمایش جهانی است که در حال تعیین‌تکلیف‌کردن برای نوع توزیع مکانی و رژیم زمانی این عدد است.

زنان

همه‌گیری کمتر در معرض آسیب، صدمات و مرگ در دوره قرنطینه قرار گیرند.
● بسته‌های کمک مالی مربوط به حمایت اجتماعی زنان تهیه و توزیع شود. این بسته‌ها منعکس‌کننده درک شرایط ویژه زنان و شناخت اقتصاد مراقبت است. تهیه و ارائه این بسته‌ها به آن معناست که مزایای بیمه درمانی برای افراد نیازمند و دختران انجام شود پیشنهاد داده است:
● اطمینان حاصل شود نیازهای پرستاران و پزشکان زن فراهم شود و در دست‌رسان قرار گیرد. این فراهم‌کردن نیازها تضمین می‌کند که آنها در این شرایط پرچالش با ناراتحی‌های غیرضروری – جمله عدم تأمین تجهیزات پزشکی مهم و ضروری – روبه‌رو نشوند.
● اطمینان حاصل شود که خطوط تلفن و خدمات اساسی برای تمام قربانیان سوءاستفاده خانگی فراهم شود. با توجه به میزان بالای مرگ‌ومیرهای خشونت‌آمیز زنان که توسط شرکای زندگی آنها انجام شده، این اطمینانی است برای زنان که در این

نداریم که مغز ما درعین‌حال که عضوی بیولوژیکی در بدن ماست می‌تواند کارکردی روانی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. ما نمی‌توانیم تصور کنیم که چگونه مغز ما در یک همه‌گیری عفونی، دستگاه ایمنی بدن ما را تحت تأثیر همه مسائل و معضلات اجتماعی و فرهنگی و تاریخی و طبقاتی ناشی از این درگیری ویروسی قرار می‌دهد؛ برای مثال در این تجربه تاریخی همه‌گیری، از طریق مدارک تصویری دانسته‌ایم که اختلال در دستگاه ایمنی بدن می‌تواند از طریق سوازاکواری، فعالیت سالم مغزی ما را مختل کند و به آن آسیب بزند. همان‌طور هم فهمیده‌ایم که از علل مرگ‌ومیر در بیماری کرونا، هجوم سیتوکین‌ها یعنی سلول‌های مهاجم و التهاب‌زای بدن علیه عامل عفونی هستند، نه هجوم بر تعداد خود ویروس‌ها. به عبارت دیگر، مرگ افراد مبتلا به این ویروس، بیشتر ناشی از آشوب و دست‌یابی و ندانم‌کاری در سیستم ایمنی بدن انسان است. شاید به‌همین‌دلیل باشد که بیشتر افرادی که در معرض ویروس قرار می‌گیرند، با علائم شدید تنفسی و احیانا مرگ روبه‌رو نمی‌شوند؛ بنابراین داستان درباره آسیب‌رسانی ویروس کرونا به انسان بسیار پیچیده‌تر از آن است که به یک رابطه علت و معلولی ساده دل‌خوش باشیم و آن را علم تلقی کنیم. پژوهشی که در شماره مارس ۲۰۱۶ «گزارشات علمی» از سوی گروهی از دانشگاه مکس پلانک منتشر شده، نشان می‌دهد که عوارض کم اکسیژنی مغزی ناشی از سراسیمگی حد می‌تواند موجب افزایش سیتوکین‌ها (سلول‌های التهابی بدن) شود. این آغاز راه است. ما باید بدانیم که چگونه استرس‌ها و اضطراب‌های ناشی از حوادث اجتماعی، اقتصادی، نژادی، قومی، جنسیتی و… به‌ویژه در شرایط حبس بهداشتی و سیاسی کنونی، می‌تواند از طریق فعالیت مغزی بر ترشحات هورمونی و کنش‌های ایمنی از جمله فعالیت سیتوکین‌ها یعنی سلول‌های التهاب‌زای سیستم ایمنی بدن تأثیر بگذارد و سرنوشت زیستی ما را تغییر دهد. با درنظرگرفتن معادلات پیچیده علمی در تمامی سطوح نظام پویای حیات است که می‌توان فاصله و شکاف پژوهش‌های زیست‌شناختی از جامعه‌شناختی را برداشت و بدن انسان، از جمله مغز را در تعامل دوجانبه با جامعه قرار داد. ما باید نقش فعالیت و عاملیت یا سوزه‌بودن تاریخی خود را از طریق علمی پویا و همه‌جانبه‌نگر پیدا کنیم و آینده خود را روشن‌تر ترسیم کنیم.

ممکن است تا چند دهه پیش از این همین بخش قابل‌ملاحظه‌ای از رقم به شکل برف و در فصل زمستان و در اثر گرمای تدریجی فصل بهار خود را با چشمه‌های خروشان و قنات‌های پرآب نشانی می‌داد، ولی الان بدون حتی یک درصد تغییر در عندک سالی یک سال آبی کلد آن با چند رخداد بارش چندده میلی‌متری و در فروردین خود را به زمین می‌رساند و سیل سهمگینی در ادامه‌اش ملاحظه می‌شود. هرچند قریب‌به‌یقین خبری از تغییر محسوس در مجموع ارتفاع بارش سالانه کشور نیست، ولی دیگر نه خبری از آن برف‌های یک‌متری خاطرات بزرگان قایلل است و دیگر روزی نیست که خبر سیل تاریخی به‌جامانده نشان می‌دهد با تاروپود سرزمین ایران کره خورده بود و همچنین با این حد از رخدادهای حدی در وضعیت آب‌وهوایی کشور هم‌زمان با شروع دوره اجرائی هرچه بیشتر بر حقانیت مدافعان مباحث تغییر اقلیم در سطح بین‌المللی با عنوان پیمان پاریس اذیل چارچوب پیمان‌نامه سازمان ملل در تغییر اقلیم (UNFCCC) در رابطه با کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای] که از امسال (۲۰۲۰) شکل اجرائی به خود گرفته است، اذعان کرد.

این اصلی پذیرفته است که شنیدن صدای زنان به تصمیم‌گیری بهتری منجر می‌شود. می‌دانیم که تنوع دیدگاه‌ها تصمیم نهایی را بهتر غنی‌تر می‌کند. در کنار این، سیاست‌گذاران باید از ظرفیت‌های سازمان‌های فعال زنان استفاده کنند. در نهایت، سیاست‌گذاران باید به آنچه در خانه‌های مردم اتفاق می‌افتد توجه کنند و از تقسیم مساوی مسئولیت‌ها در خانه و زندگی بین زنان و مردان حمایت کنند. این همه‌گیری و خانه‌نشینی یک فرصت عالی برای فراتررفتن از تأثیر جنسیت در فعالیت‌ها و مسئولیت‌هاست. ما باین هدف ما مردان و پسران را دعوت می‌کنیم تا اطمینان حاصل کنند که سهم منصفانه‌ای از وظایف خود را در خانه انجام می‌دهند و بخشی از مسئولیت‌ها را نیز در این مدت درخانه‌مانی انجام می‌دهند، همچنین با هشتگ #HeforShe آنها را ترغیب به انتشار تجربیاتشان می‌کنیم. فراهم‌کردن نیازهای زنان فرصتی را برای ما فراهم می‌کند که «بهتر پیشرفت کنیم».